

مجموعه گفتارهای علمی اخلاقی

حضرت آیت الله یثربی دامت برکاته

به سوی معرفت

تفسیر آیات ولایت و امامت

**کیانند
امت برتر؟**

۸ اسفند ۱۳۸۶

۱۹ صفر المظفر ۱۴۲۹

تکثیر این جزوه

با رعایت محتوا، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است

« الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين ولعنة الله على أعدائهم أجمعين » .

قال الله الحكيم في محكم كتابه :

﴿ كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ ﴾^(۱) .

شما بهترین امتی بودید که به سود انسانها آفریده شده‌اند، چه اینکه امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا ایمان دارید.

اهل برتر و عدالت صحابه؛

در جلسات گذشته بیان کردیم که نظریه پردازان عدالت جمیع صحابه برای اثبات مدّعی خود به آیاتی از قرآن کریم، استناد می‌کنند. تا کنون سه آیه از آیات مورد استناد آنان را نقد و بررسی کردیم و به این نتیجه دست یافتیم که هیچ یک از آیات مورد استناد، مدّعی آنان را اثبات نمی‌کند. چهارمین آیه‌ای که اهل سنت برای اثبات عدالت جمیع صحابه به آن

۱-سوره آل عمران، آیه ۱۱۰.

استناد می‌کنند آیه ۱۱۰ سوره آل عمران می‌باشد. در این آیه خداوند متعال می‌فرماید:

﴿ كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ ﴾ .

شما بهترین امتی بودید که به سود انسانها آفریده شده‌اند، چه اینکه امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا ایمان دارید.

کیفیت استدلال به آیه فوق بدین گونه است که خداوند متعال در این آیه برتری و افضلیت مسلمانان به خصوص صحابه را اعلام می‌کند و از آن خبر می‌دهد؛ زیرا آنان به نیکی امر، و از بدی نهی می‌کنند و به خداوند ایمان دارند. در این آیه خداوند متعال به افضلیت و برتری صحابه شهادت داده است، از طرف دیگر تکذیب و یا تشکیک در شهادت خداوند متعال موجب کفر و خروج از دایره ایمان است؛ در نتیجه تمام شیعیان و مسلمانانی که در حقانیت اخبار خداوند متعال و رسول الله ﷺ تردید کنند و صحابه و مسلمانان صدر اسلام را دارای فضیلت (عدالت) نداند کافر هستند.

در صورتی که استدلال فوق تام و مقرون به صحت باشد تمام منکرین عدالت جمیع صحابه از جمله شیعیان باید بابت تکذیب شهادت خداوند طلب آمرزش کنند و مجدداً شهادتین را بر زبان جاری سازند.

**نقد استدلال اهل سنت
تأملی در آیه؛**

برای بررسی صحت و سقم استدلال فوق باید با دقت در تک تک کلمات آیه مورد استشهاد تأمل کنیم. این آیه بر خلاف سایر آیات مورد استناد اهل سنت کوتاه می‌باشد و به حادثه و واقعه تاریخی اشاره نمی‌کند اما بررسی آن یک دقت علمی و فنی نیازمند است. نخست باید چهار مطلب از آیه توضیح داده شود؛

۱ - فعل **کان**؛ و اینکه این فعل در قالب خطاب چه جایگاهی دارد؟

۲ - ضمیر متصل مخاطب «**تُم**» و اینکه این ضمیر متوجه چه کسانی می‌باشد؟

۳ - اسم «**اُمّة**» در این آیه دارای چه معنایی می‌باشد؟

۴ - جمله ﴿**تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ**﴾ به صورت وصف ذکر شده است یا علت؟

بررسی فعل **کان**؛

کلمه «**کان**» معمولاً به سه صورت در زبان و ادبیات عرب استعمال می‌شود؛ ۱ - زائده و اضافی؛ ۲ - تامه؛ ۳ - ناقصه.

۱ - فعل «**کان**»، هنگامی زائده است که در وسط جمله استفاده شود؛ بنابراین این اگر این فعل در صدر یا آخر جمله به کار برده شود طبق ادبیات عرب زائده نمی‌باشد.

مثلاً می‌توان آیه ذیل را به عنوان نمونه‌ای برای زائده بودن «**کان**» ذکر کرد.

﴿**وَإِذْ كُرُوا إِذْ كُنْتُمْ قَلِيلًا فَكَثَرَكُمْ**﴾^(۱).

و به خاطر بیاورید زمانی را که اندک بودید و او شما را فزونی داد.

۱- سوره اعراف، آیه ۸۶.

با توجه به این قاعده ادبی احتمال زائد بودن «کان» در آیه ۱۱۰ سوره توبه مردود است؛ زیرا این فعل در صدر آیه ذکر شده است.

۲- فعل «کان» اگر تامه باشد نیاز به اسم و خبر ندارد و به معنای بودن، آفریده شدن و نشأت یافتن است. با توجه به این احتمال، آیه فوق به این معنا می‌شود: شما بهترین امتی بودید که من خلق کردم و آفریدم ... در این صورت باید عبارتهای بعدی آیه را حال تلقی کرد.

۳- اگر فعل «کان» ناقصه باشد، نیاز به اسم و خبر دارد؛ بنابر این ضمیر متصل «تم» اسم «کان» و عبارت «خیر امة» خبر «کان» می‌باشد.

در صورتی که «کان» زائده و یا تامه باشد فعل ناظر به زمان خاصی نمی‌باشد، ولی در صورت ناقصه بودن باید در تفسیر آیه، زمان ماضی (گذشته) لحاظ شود.

برخی از مفسرین در مورد این فراز از آیه احتمالات دیگری مطرح کرده‌اند از جمله این که^(۱)؛

- ۱- در علم و دانش خداوند بهترین امت بودید؛ (در لوح محفوظ).
- ۲- برخی نیز «کان» را به معنای صار (شدن و گردیدن) می‌دانند؛ این گروه در تفسیر آیه می‌گویند: پس از اینکه ایمان آوردید بهترین اُمتهای شدید.
- ۳- در نزد اُمتهای سابق، بهترین و برترین امت بودید، همانطور که

۱- الجامع لاحکام القرآن، القرطبی، جلد ۴ صفحه ۱۰۹ - تفسیر فخر رازی، جلد ۸ صفحات ۱۹۷-۱۹۳.

اوصاف شما در تورات و انجیل آمده است^(۱).

بررسی ضمیر متصل «تم»؛

در رابطه با ضمیر متصل «تم» که به فعل «کان» متصل شده است نیز احتمالاتی وجود دارد. آیا این ضمیر، ضمیر مخاطب است؟ به این معنا که ای مسلمانانی که الآن و در حال حاضر این آیه را می‌شنوید شما بهترین امتها هستید؛ به عبارت دیگر آیا این ضمیر فقط ناظر به مخاطبین و مسلمانان صدر اسلام می‌باشد؟ البته تنها با این احتمال می‌توان برای عدالت صحابه استدلالی اقامه نمود. اما احتمال فوق نادرست است و چند اشکال اساسی به آن وارد است؛

۱ - اهل سنت بر این باورند که مسلمانان، جزء بهترین افراد بشر و امت اسلامی، برترین امتها می‌باشند، حال اگر در مورد این آیه بگویند که فقط مخاطبین را در بر می‌گیرد و تنها آنان بهترین هستند در جمع این دو ادعا دچار مشکل می‌شوند؛ زیرا تناقض و ناسازگاری این دو ادعا بدیهی است.

۲ - اگر ضمیر فقط ناظر به مخاطبین باشد باید تمام احکام و دستورات الهی که در قرآن کریم ذکر شده است مختص شنوندگان باشد و تکلیفی متوجه آیندگان نباشند. حال آنکه می‌دانیم تمام مسلمانان چه مخاطب بوده و در عصر پیامبر گرامی اسلام ﷺ حاضر باشند و چه مخاطب نباشند و در قرنهای بعدی پا به عرصه حیات گذاشته باشند همه در انجام تکالیف یکسان هستند. به عنوان مثال دستوراتی چون،

۱- سوره فتح، آیه ۲۹.

﴿كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ﴾^(۱).

حکم قصاص در مورد کشتگان برای شما نوشته شده است.

﴿كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ﴾^(۲).

روزه بر شما نوشته شده.

همه مسلمانان را در بر می‌گیرند، و فقط مختص به مخاطبین و شنوندگان صدر اسلام نیست. در این رابطه، در علم اصول فقه می‌گویند مشافهه (شنیدن بی واسطه از گوینده) در مکلف شدن به احکام تأثیر ندارد و خداوند متعال احکام شرعی را به صورت قضیه حقیقیه انشاء می‌کند، چه مکلف در زمان انشاء حکم وجود داشته باشد یا وجود نداشته باشد. همچنین اگر حضور و مخاطب شرط تکلیف باشد چنانچه افرادی در آن زمان در مجلس خطاب حضور فیزیکی نداشته باشند، آنها هم نباید مکلف باشند، در حالی که عقل سلیم این نظر را رد می‌کند. به طور خلاصه در رابطه با ضمیر «تم» به هیچ وجه نمی‌توان قائل شد که این ضمیر فقط شامل شنوندگان (صحابه) گردد.

بررسی کلمه اُمة؛

موضوع دیگری که نیاز به تأمل دارد، اسم «اُمة» است. اُمة در قرآن

کریم در سه معنا به کار برده شده است؛

۱- گاهی در مورد یک فرد و یک شخص به کار می‌رود؛

۱- سوره بقره، آیه ۱۷۸.

۲- سوره بقره، آیه ۱۸۳.

﴿إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ﴾^(۱).

ابراهیم [علیه السلام] امتی بود مطیع فرمان خدا.

۲- گاهی در مورد گروه وعده خاصی بکار برده می‌شود؛

﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾^(۲).

باید از میان شما جمعی دعوت به نیکی، امر به معروف و نهی از منکر کنند و آنها همان رستگارانند.

در این آیه، امت به معنای گروه و جمعی از افراد می‌باشد و شامل همه

افراد نمی‌شود. حرف من که به معنای بعض می‌باشد مؤید این موضوع است.

۳- در مواردی نیز به معنای جماعت آمده است.

﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَى اللَّهُ وَمِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْفِرِينَ﴾^(۳).

ما در هر امتی رسولی برانگیختیم که: خدای یکتا را بپرستید، و از طاغوت اجتناب کنید خداوند گروهی را هدایت کرد، و گروهی ضلالت و گمراهی دامانشان را گرفت، پس در روی زمین بگردید و ببینید عاقبت تکذیب کنندگان چگونه بود.

۱- سوره نحل، آیه ۱۲۰.

۲- سوره آل عمران، آیه ۱۰۴.

۳- سوره نحل، آیه ۳۶.

کلمهٔ اُمَّة در آیهٔ مورد بحث به معنای فرد نیست، و منظور آیه از امر به معروف و ناهی از منکر یک فرد و شخص خاص نمی‌باشد. اما بنابر احتمال سوم که همهٔ مسلمانان را در بر بگیرد بگونه‌ای که همگان امر به معروف و ناهی از منکر باشند هم با مبنای اهل سنت سازگار نیست؛ زیرا با توجه به مبنای اهل سنت به عدهٔ فراوان هم کلمهٔ جماعت اطلاق می‌شود.

اکنون که سخن بدین جا رسید توضیح این مطلب هم خالی از لطف نیست. اهل سنت می‌گویند اجتماع کثیری از مسلمانان بر امری به معنای اجماع کلّ امت اسلامی می‌باشد و اگر گروه فراوانی از مسلمانان بر امری اتفاق نظر داشته باشند کافی است و دیگر نیازی به نظر باقی افراد نداریم. آنان با همین مبنا در سقیفه گرد آمدند و مسیر خلافت را به گونه‌ای دیگر رقم زدند و آن را منحرف کردند و در پاسخ به این پرسش که همهٔ مسلمانان در سقیفه حاضر نبودند، گفتند که حضور گروه زیادی از مسلمانان در اجماع امت کافی است. بنابر این احتمال و با توجه به مبنای اهل سنت باز هم نمی‌توان قائل به افضلیت و عدالت جمیع صحابه شد؛ زیرا با توجه به مبنای اهل سنت به جمع کثیر هم امت اطلاق می‌شود و این احتمال وجود دارد که شامل همهٔ صحابه نشود و به همین اندازه که پای احتمال به میان آید کافی است تا استدلال اهل سنت با خدشه مواجه شود.

به عبارت فنی‌تر، منظور از عموم در این آیه، عموم **مجموعی** است؛ یعنی مجموعه و گروه زیادی عادل‌اند نه **عموم استغراقی** به این معنا که همهٔ مسلمانان یک به یک مصداق آیهٔ شریفه باشند. به طور خلاصه، کلمهٔ «امة» در آیهٔ مورد

استشهاد بر گروه و عده‌ای از مسلمانان اطلاق می‌شود نه بر همه آنان؛ در نتیجه شهادت خداوند متعال بر افضلیت (عدالت) مسلمانان همه آنان را در بر نمی‌گیرد و تنها شامل گروه خاصی یا نهایتاً جمع کثیری می‌شود.

بررسی ادامه آیه؛

نکته چهارمی که باید در آن تأمل نمود ادامه آیه می‌باشد، ﴿تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ﴾ پرسش این است که آیا، امر به معروف، نهی از منکر و ایمان به خداوند وصف است یا علت؟

توضیح بیشتر آنکه، اگر ادامه آیه را وصف بدانیم تفسیر آیه بدین گونه می‌شود؛ شما بهترین امت هستید؛ زیرا دارای اوصافی چون امر به معروف، نهی از منکر و ایمان به خدا می‌باشید.

اما اگر آن را علت بدانیم، تفسیر آیه بدین گونه می‌شود؛ شما بهترین امت هستید به علت آنکه به معروف امر و از منکر نهی می‌کنید و ایمان به خداوند دارید.

حال پرسش این است که آیا افضلیت و برتری مسلمانان به دلیل دارا بودن اوصاف مذکور است؟ یا اوصاف مذکور علت برتری و ویژگی مسلمانان است؟

هنگامی استدلال بر عدالت جمیع صحابه تام خواهد بود که ادامه آیه را وصف بدانیم. اما اگر جمله پایانی را علت بدانیم، نمی‌توان عدالت جمیع صحابه را اثبات کرد؛ زیرا هر گاه علت (اوصاف مذکور) وجود نداشته باشد، معلول (افضلیت

و برتری مسلمانان) نیز موجود نخواهد بود. برخی از مفسرین اهل سنت بر این نظرند که ادامه آیه، علّت برتری و افضلیّت مسلمانان است نه وصف و به این جمله از خلیفه دوم استناد می‌کنند:

«من فعل فعلهم کان مثلهم»^(۱).

هر کس همانند صحابه عمل کند، همانند آنان خواهد بود.

جمله فوق گویای این مطلب است که، علّت برتری صحابه و راه یکسان شدن با آنان در گرو عمل نیک می‌باشد^(۲).

خالد ابن ولید، صحابی فاسق؛

اکنون که از بررسی آیه فوق فارغ شدیم و دانستیم که آیه مورد استشهاد با نظر به مبانی اهل سنت توانایی اثبات عدالت جمیع صحابه رسول الله ﷺ را ندارد و همه مسلمانان حاضر در صدر اسلام دارای فضیلت عدالت نیستند، مناسب است که برای تحکیم نظرمان و نقد و تضعیف نظریه عدالت تمامی صحابه به آیه‌ای دیگر از قرآن کریم استناد کنیم. تأمل در این آیه از آن رو حائز اهمیت است که بیان می‌کند در میان صحابه افراد فاسقی نیز وجود داشتند، در نتیجه صرف صحابه بودن و همراهی با رسول الله ﷺ عدالت شخصی را احراز و تضمین نمی‌کند.

۱- الجامع لاحکام القرآن، القرطبی، جلد ۴ صفحه ۱۱۱.

۲- در جزوه‌های شماره ۳۰-۲۸ به تمام آیات مورد استناد عدالت صحابه ایرادهای کلی و اساسی وارد نمودیم و بیان کردیم که هیچ یک از آیات، مدّعی اهل سنت را اثبات نمی‌کند. مطالعه آنها برای یادآوری ضروری است.

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصِبْحُوا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ ﴾^(۱).

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر شخص فاسقی خبری برای شما بیاورد درباره آن تحقیق کنید، مبادا به گروهی از نادانی آسیب برسانید و از کرده خود پشیمان شوید.

این آیه بیان می‌کند که اگر فاسقی خبری برای شما بیاورد، باید پیرامون آن تحقیق کنید و از صحت و صدق آن مطمئن شوید.

شان نزول این آیه، مربوط به گزارش دروغی است که خالد ابن ولید به پیامبر ﷺ ارائه کرد و پیش از آنکه رسول الله ﷺ به آن خبر ترتیب اثر دهد، وحی نازل شد که ای پیامبر ﷺ تحقیق کن و از صدق خبر مطمئن شو^(۲).

با توجه به آیه و شان نزول آن در می‌یابیم که مخاطب آیه رسول الله ﷺ می‌باشد و منظور از فاسق، انسان کافر نمی‌باشد؛ زیرا خبری که کافر بگوید نیاز به تحقیق و تفحص ندارد و از ابتدا شنیده نمی‌شود، در نتیجه تفسیر آیه این چنین می‌شود؛ ای پیامبر ﷺ اگر فاسقی از میان مسلمانان خبری بگوید، پیش از تحقیق و یقین از صدق، به آن ترتیب اثر ندهید.

۱- سوره حجرات، آیه ۶.

۲- الغارات، جلد ۱ صفحه ۲۵۱ از منابع اهل سنت بنگرید به شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، جلد ۱۷ صفحه ۲۳۹ و اسد الغابة، جلد ۵ صفحه ۹۱.

این آیه به روشنی بر خلاف مدّعی اهل سنت خبر از وجود فاسق در میان صحابه می‌دهد.

تفسیر آیه پر هبنای شیعه؛

با توجه به مطالب بیان شده تفسیر آیه ۱۱۰ سوره آل عمران بدین گونه است؛ ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ﴾ خطاب به تمام مسلمانان است و بیان می‌کند که از میان شما گروهی بهترین‌ها هستند و اختصاص به زمان رسول الله ﷺ ندارد و همه مسلمانان را در همه زمانها در بر می‌گیرد.

﴿أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ﴾، «ل» حرف جر و «ناس» مجرور، جار و مجرور نیاز به متعلق دارد. متعلق جار و مجرور یا فعل «اخرجت» است یا کلمه «خیر». هر کدام از دو احتمال که باشد تفاوتی در تفسیر ایجاد نمی‌کند، و آیه به این معنا می‌شود؛ عده‌ای خاص از امت برای مردم خلق شده‌اند. حال سخن از عده خاص است که از بهترین‌ها می‌باشند. این عده خاص که هدیه و هبه الهی هستند چه کسانی هستند؟ آیا صحابه همان عده خاص می‌باشند؟ صحابه‌ای که در میان آنان فاسق، منافق، زنا کار و شارب خمر وجود دارد؟! آیا صحابه‌ای که دارای سیئات اخلاقی هستند، بهترین‌ها هستند؟!

خداوند متعال برای آن گروه خاص صفت «خیر» به کار می‌برد، در نتیجه منظور از «خیر امة» صحابه فاسد و فاسق نمی‌باشد.

تا بدین جا روشن گشت که این آیه توانایی اثبات عدالت همه صحابه را

ندارد؛ زیرا همه صحابه دارای فضائل و حسنات اخلاقی نبودند و نمی‌توان واژه «خیر» را بر همه آنان اطلاق کرد.

در روایتی آمده است که امام صادق علیه السلام این آیه را بدین گونه تلاوت نمودند^(۱):

﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ﴾.

شما بهترین امامانی بودید که به سود انسانها آفریده شده‌اند.

برخی از مفسرین اهل سنت نیز منظور از «خیر ائمه» را اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دانسته‌اند^(۲).

آری! تحفه الهی و بالاترین خیر برای انسانها امامانی هستند که امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و در ایمان به خدا راسخ و ثابت قدم‌اند، نه منافقان دو رو و فاسقان بی آبرو.

تکذیب و تحریف قرآن؛

ما با اهل سنت و نظریه پردازان عدالت تمامی صحابه هم رای و هم عقیده هستیم که تکذیب و تشکیک در حقانیت اخبار خداوند متعال منجر به کفر می‌گردد و هر کس خبر دروغی به خداوند متعال نسبت دهد کافر است و در جهنم

۱- تفسیر قمی، جلد ۱ صفحه ۱۱۰، تفسیر صافی، جلد ۱ صفحه ۳۷۱، تفسیر عیاشی، جلد ۱ صفحه ۱۹۵ و تفسیر نور الثقلین، جلد ۱ صفحه ۳۸۳.
۲- الدر المنثور، جلد ۲ صفحه ۱۱۴.

جای دارد. ولی از آنان می‌پرسیم تحریف کتاب الله چه حکمی دارد؟ تحریف با تکذیب چه تفاوتی دارد؟ مگر نه آن است که سرانجام تحریف کنندگان و تکذیب کنندگان کفر است؟

آیا تفسیر شما از آیات قرآن برای اثبات عدالت صحابه، نوعی تحریف معنوی قرآن نیست؟ آیا شما برای اثبات عدالت صحابه، معانی دور از ذهن و نادرست بر قرآن حمل نمی‌کنید؟ این عمل مصداق روشن تحریف است. تحریف آشکار قواعد ادبی^(۱) و احکام قرآنی چه نام دارد؟ اگر بتوانید با تحریف، جدل و مغالطه گروهی را فریب دهید و نظر خود را بر آنان تحمیل کنید، در حقیقت خود را فریب داده‌اید و عذاب الهی را بر جان خریده‌اید.

یادی از اربعین سید الشهداء علیه السلام

نشانه‌های شیعیان؛

در آستانهٔ اربعین شهادت سید و سالار شهیدان ابا عبدالله علیه السلام قرار داریم. در رابطه با اهمیت زیارت اربعین سید الشهداء علیه السلام، امام حسن عسکری علیه السلام می‌فرماید:

«علامات المؤمن خمس؛ صلاة الأحدى والخمسين وزيارة الأربعین،

۱- نکتهٔ جالب توجه این که بسیاری از صاحب نظران ادبیات عرب چون سیبویه و ابو علی فارسی بنیانگذار مدرسهٔ نحوی بغداد، ایرانی بوده‌اند و با زحمت و تلاش فراوان، دقائق و ظرایف ادبیات عرب را فرا گرفتند و صاحب نظر شدند، آیا می‌توان با تحریف قواعد ادبی این بزرگان و صاحب مکتبان را فریب داد؟

التَّخْتَمَ بِالْيَمِينِ وَتَغْفِيرَ الْجَبِينِ وَالْجَهْرَ بِبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»^(۱).

در این روایت امام حسن عسکری علیه السلام به بیان نشانه‌های شیعیان راستین می‌پردازند. از نظر ایشان یک مؤمن واقعی باید دارای پنج نشانه باشد. این علائم عبارتند از؛ ۱ - خواندن پنجاه و یک رکعت نماز که شامل نمازهای واجب، نوافل و نماز شب می‌شود؛ ۲ - خواندن زیارت اربعین سید الشهدا علیه السلام؛ ۳ - انگشتر را در دست راست می‌گذارند بر خلاف برخی که در دست چپ می‌گذارند؛ ۴ - روی خاک سجده کردن؛ شیعیان روی فرش و پشم، سجده نمی‌کنند و جبین بر خاک می‌نهند. ۵ - بسم الله الرحمن الرحيم را در نمازها بلند می‌خواند.

برخی از مخالفان و معاندان بنای اعمال خود را بر لجاجت و مخالفت با اهل بیت علیهم السلام گذارده‌اند. انگشتر در دست چپ می‌گذارند، چون امیرالمؤمنین علیه السلام انگشتر را در دست راست می‌گذاشتند^(۲).

ابو حنیفه در یکی از فتاوای سخیف خود بر این عقیده است که چون امام صادق علیه السلام هنگام خواندن نماز چشمانش را باز می‌گذارد ما می‌بندیم و چون نمی‌دانیم هنگام سجده چشمانشان باز است یا بسته، ما مخالفت قطعیه می‌کنیم و یکی را باز و دیگری را می‌بندیم.

دشمنان اهل بیت علیهم السلام می‌خواهند ما فضایل و کرامات اهل بیت علیهم السلام را فراموش کنیم و این امتیازات را از ما بستانند. این را بدانند و به خاطر بسپارند که ما آنی خاندان وحی علیهم السلام را فراموش نمی‌کنیم و تا قیام قیامت دست از آنان بر

۱- تهذیب، جلد ۶ صفحه ۵۲.

۲- الغدیر، جلد ۱۰ صفحه ۲۱۱ از منابع اهل سنت بنگرید به تکملة البحر الرائق، جلد ۲ صفحه ۳۵۰.

نمی‌داریم و به یاری خداوند متعال در مسیر آنان حرکت می‌کنیم.

مقام و جایگاه زائران سید الشهداء علیهم‌السلام؛

حال مناسب است برای شناخت مقام و امتیاز زائران سید الشهداء علیهم‌السلام روایت صحیحی را ذکر کنیم. معاویه ابن وهب که از بزرگان صحابه می‌باشد، می‌گوید: به محضر امام صادق علیه‌السلام شرفیاب شدم.

« فدخلت فوجدته في مصلاه في بيته فجلست حتى قضى صلاته فسمعته وهو يناجي ربه ويقول ؛

بر امام صادق علیه‌السلام وارد شدم، و ایشان را دیدم در اتاق و بر سجاده‌اند کنارشان نشستم تا نمازشان تمام شود، و شنیدیم با پروردگار مناجات می‌کنند و می‌فرمایند:

يا من خصنا بالكرامة و خصنا بالوصية و وعدنا الشفاعة و اعطانا علم ما مضى و ما بقى و جعل أفئدة من الناس تهوي إلينا ؛

ای خدایی که کرامت را مخصوص ما گردانیدی و وصیت و خلافت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را از امتیازات ما قرار دادی، و وعده شفاعت را به ما دادی و علم گذشته و آینده را به ما دادی و ای خدایی که دل‌های گروهی از مردم را متوجه ما گردانیدی.

امام صادق علیه‌السلام تا بدین جا پنج امتیاز و ویژگی برای خاندان اهل بیت علیهم‌السلام بر می‌شمارند؛ ۱- کرامت؛ ۲- خلافت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم؛ ۳- شفاعت؛ ۴- علم به گذشته و آینده؛ ۵- توجه دل‌های فراوانی به آنان. سپس در ادامه مناجات

می‌فرمایند:

« اغفر لي ولاخواني ولزوّار قبر أبي عبدالله الحسين عليه السلام الذين أنفقوا

أموالهم وأشخصوا أبدانهم رغبة في برّنا ورجاء لما عندك في صلتنا؛

خداوندا! مرا و برادرانم و زائران قبر ابا عبدالله الحسين عليه السلام را بيامرز،

كسانی که در راه سيّد الشهداء عليه السلام بذل مال می‌کنند و بدنهایشان را به

زحمت و سختی می‌اندازند؛ زیرا دوست دارند به ما نیکی کنند و

آرزومند دریافت بهره و جازیه‌ای هستند که در دوستی ما قرار دارد.

وسروراً ادخلوه على نبيك صلواتك عليه وآله وإجابة منهم لأمرنا وغيظاً

أدخلوه على عدوّنا أرادوا بذلك رضاك؛

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را خوشحال می‌کنند و دستور ما را اطاعت می‌کنند و

دشمن را خشمگین می‌کنند؛ زیرا می‌خواهند رضای تو را به دست

آورند.

در این فراز از روایت، امام صادق عليه السلام برای خود و زائران سيّد الشهداء عليه السلام

طلب آمرزش می‌نمایند و برای زوّار اوصافی را ذکر می‌کنند. از جمله آنکه، زوّار

سيّد الشهداء عليه السلام در مسیر زیارت سختی و خستگی را به جان می‌خرند و از مال و

ثروت می‌گذرند؛ زیرا ما را دوست دارند و می‌خواهند پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را خوشحال و

مسرور کنند. امر ما را اطاعت کنند و دشمن ما را غضبناک تا رضای خدا را به

دست آورند.

آری! از زمانهای گذشته تا به حال زائران سيّد الشهداء عليه السلام برای زنده نگه

داشتن حادثه کربلا از هیچ فداکاری دریغ نکردند. در زمان متوکل هنگامی که دستها را قطع می‌کردند، شخصی دست چپ خود را برای قطع کردن بیرون آورد. به او گفتند، دست راست را قطع می‌کنیم و او در پاسخ گفت سال گذشته دست راستم را بابت زیارت قطع کردید. امروزه نیز زائران سید الشهدا علیه السلام علی رغم ناامنی و انفجارهای متعدد زیارت آن حضرت را ترک نمی‌کنند.

در ادامه روایت امام صادق علیه السلام برای زائران جدشان علیهم السلام دعاهای بسیار مهمی می‌کنند و می‌فرمایند:

«فكافهم عتًا بالرضوان واکلاهم باللیل والنهار واخلف علی أهالیهم
وأولادهم الذین خلفوا بأحسن خلف وأصبحهم واکفهم شرّ كل جبار عنید
وكلّ ضعيف من خلقك أو شدید؛

خداوندا [۱] جزا و پاداش آنان را بهشت قرار ده [۲] شب و روز آنان را آباد کن [۳] نسل و دودمان آنان را بهترین نسل و دودمان قرار ده [۴] آنان را از شر هر ستمکار قوی و ضعیف برهان و شرّ الشیاطین الإنس والجن وأعطهم أفضل ما أمّلوا منك فی غربتهم عن أوطانهم وما آثرونا به علی آبائهم وأهالیهم وقراباتهم؛

[۵] و آنان را از شرّ شیاطین انسان و جن نجات ده [۶] بهتر و بالاتر از آن چیزی که آرزو دارند در این غربت - سفر - به دست آورند به آنها عطا کن و هر آن چیزی که در راه ما ایثار کردند، از فرزندان، خانواده و نزدیکان.

اللّهم إنّ أعدائنا عابوا عليهم خروجهم فلم ينههم ذلك عن الشخوص إلينا
وخلافاً منهم على من خالفنا؛

خداوندا! دشمنان ما، زیارت کنندگان ما را سرزنش می کنند، اما آنان
باز هم به زیارت می روند برای مخالفت با دشمنان و مخالفان.
امام صادق علیه السلام دوباره زائران سید الشهدا علیه السلام را دعا می کنند و در حق
آنان می فرماید:

« فارحم تلك الوجوه التي قد غيرتها الشمس وأرحم تلك الخدود التي
تقلبت على حفرة أبي عبدالله عليه السلام وأرحم تلك الأعين التي جرت دموعها
رحمة لنا وأرحم تلك القلوب التي جزعت واحتترقت لنا وأرحم تلك
الصرخة التي كانت لنا اللهم إني استودعك تلك الأنفس وتلك الأبدان
حتى نوافهم على الحوض يوم العطش؛

[۱] بارالها رحم کن چهره هایی را که در زیر تابش آفتاب تغییر می کند
[۲] و رحم کن آن گونه هایی که بر خاک [ضریح] ابا عبدالله قرار داده
می شود [۳] و رحم کن آن چشمهایی که اشکهایش به خاطر رقت و
ترحم بر ما جاری می شود [۴] و رحم کن آن دلهایی را که به یاد ما بی
تابی می کند و آتش می گیرد [۵] و رحم کن آن فریاد و نعره ای که به یاد
ما کشیده شد [۶] خداوندا! من این ارواح و این بدنها را نزد توبه امانت
می سپارم تا پاداش آنان را در روز تشنگی در کنار حوض کوثر بدهم
[و همه آنان را با آن آب سیراب کنم].

معاویه ابن وهب می‌گوید: امام علیه السلام همچنان در سجده بودند و دعا می‌کردند. هنگامی که سر برداشتند عرض کردم: جانم به فدایت باد، آن چیزی را که از شما شنیدیم اگر در مورد فردی بود که خدا را قبول ندارد به گمانم آتش جهنم او را نخواهد سوزاند. به خدا سوگند آرزو کردم که‌ای کاش به زیارت سید الشهدا علیه السلام می‌رفتم و به حج نمی‌رفتم سپس امام صادق علیه السلام فرمودند:

«من يدعو لزواره في السماء أكثر ممن يدعو لهم في الأرض»^(۱).

دعا کنندگان زائران سید الشهدا علیه السلام در آسمان بیشتر از دعا کنندگان بر روی زمین هستند.

در روایتی دیگر امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

«إن فاطمة علیها السلام بنت محمد صلی الله علیه و آله و سلم تحضر لزوار قبر ابنها الحسين وتستغفر لهم ذنوبهم»^(۲).

حضرت فاطمه علیها السلام [دختر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم نزد زائران مرقد فرزندش سید الشهدا علیه السلام] حضور دارند و برای آنها طلب آمرزش می‌کنند.

شاید بتوان این معنا را استنتاج کرد که طلب آمرزش حضرت فاطمه علیها السلام تنها شامل زائران نمی‌گردد، بلکه کسانی که شوق و ذوق زیارت دارند اما توفیق، رفیق آنان نشد را نیز در بر می‌گیرد.

۱- کافی، جلد ۴ صفحه ۵۸۲، ثواب الاعمال صدوق علیه السلام، صفحه ۹۵ و کامل الزیارات، باب ۴۰ صفحه ۲۲۸.

۲- کامل الزیارات، باب ۴۰ صفحه ۲۳۱ و بحار الانوار، جلد ۹۸ صفحه ۵۵.

جابر نخستین زائر؛

در رابطه با روز اربعین، ابن عطیة کوفی می‌گوید: همراه جابر ابن عبدالله انصاری به کربلا رفتیم، جابر در شطّ فرات غسل کرد و مرا صدا کرد و گفت دستم را بر روی مرقد سید الشهداء علیه السلام قرار بده^(۱). همین که دست را بر روی مرقد شریف گذاشت سه مرتبه فریاد کشید یا حسین علیه السلام و بی هوش شد. من به سرعت مقداری آب از فرات آوردم و به صورت او ریختم تا به هوش آید. در همین هنگام از دور سیاهی دیدم که به سمت ما می‌آید. به جابر خبر دادم. او گفت: آیا سپاهیان ابن سعد هستند یا دوستان ما؟ سپس جابر به غلام خود دستور داد تا خبری برای ما بیاورد و به او وعده داد که اگر خوش‌خبر باشی تو را در راه خدا آزاد می‌کنم. پس از مدتی غلام آمد و گفت امام زین العابدین علیه السلام به همراه اهل بیت در نزدیکی ما قرار دارند. هنگامی که امام زین العابدین علیه السلام جابر را دیدند فرمودند:

« ههنا والله قتلت رجالنا وذبحت أطفالنا وسييت نساؤنا وحرقت
خيامنا»^(۲).

به خدا سوگند این جا مردان ما کشته شدند و فرزندان ما ذبح شدند
زنان ما به اسارت گرفته شدند و خیمه‌های ما را سوزاندند.

۱- در برخی از نقلهای تاریخی آمده است که جابر نابینا بود.

۲- لواعج الاشجان، صفحه ۲۴۲.

امام سجاد علیه السلام اجازه ندادند که اهل بیت بیش از سه روز در کربلا اقامت کنند؛ زیرا اگر بیشتر می ماندند همه از فرط ناله و اشک غالب نهی می کردند.

در وصف حال آنان آمده است:

« یقمن من قبر و یجلسن عند آخر »^(۱).

از کنار قبری بر می خاستند و نزد قبر دیگری می نشستند و گریه می کردند.

ابو حمزه می گوید خدمت امام سجاد علیه السلام عرض کردم:

« القتل لکم عادة و کرامتکم الشهادة ».

کشته شدن عادت، و شهادت کرامت شما است.

امام علیه السلام در پاسخ فرمودند: اما اسارت زنان و خانواده ما که دیگر ...

بیان یک نکته تاریخی در رابطه با اربعین خالی از فائده نیست. مورخین و سیره نویسان همه بر این نظر اتفاق دارند که اهل بیت ابا عبدالله علیه السلام پس از چهل روز از شام به کربلا بازگشتند و روز اربعین در کربلا بودند. تنها فرهاد میرزا در کتاب «قمقام ذخار» مخالفت کرده است و گفته که بعید است اسرا در چهل روز این مسیر را طی نمایند. پس از او مرحوم آیتی و شهید مطهری علیه السلام این نظر را پذیرفته اند و بازگشت اهل بیت سید الشهداء علیه السلام را در اولین اربعین، بعید و دور از ذهن پنداشته اند. اما هیچ وجهی برای این استبعاد وجود ندارد.

۱- مقتل المقرم، صفحه ۴۷۰.

سعی در حفظ شعائر حسینی علیهم السلام!

سیره و سنت عذاراری شیعیان برگرفته از روایات می‌باشد. اگر خاک می‌بوییم و می‌بوسیم و اگر ضریح می‌بوسیم نه به خاطر آن است که خاک و آهن احترام و ارزش دارند، بلکه آنها به خاطر مجاورت متبرک شده‌اند. این عذاراری‌ها، گریه، شیون و سینه زدن و به طور کلی عذاراری سنتی باید محفوظ بماند و مراقب باشیم که وسوسه‌خناسان و شبهه‌افکنان و کسانی که بی‌واسطه یا با واسطه مزدور اجانب‌اند و در صدد خاموش کردن نور ابا عبدالله علیه السلام هستند در ما تأثیر نکند.

انشاء الله خداوند متعال عشق، ارادت و محبت ما را نسبت به سید الشهداء علیه السلام روز افزون بدارد. دست ما را از دامان آنان تا دامنه قیامت کوتاه نفرماید. در نسل و ذریه ما دشمن و مبغض اهل بیت علیهم السلام قرار نهد و کینه و دشمنی نسبت به اعداء الهی که تبری از دشمنان اهل بیت علیهم السلام است را در دل ما روز افزون بگرداند.

« والسَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ »

خودآزمایی؛

- ① اهل سنت چگونه با آیه ۱۱۰ سوره آل عمران، عدالت صحابه را ثابت می‌کنند؟
- ② فعل «کان» دارای چند معنا می‌باشد؟ استدلال اهل سنت را با توجه این معانی نقد کنید.
- ③ آیا شرط مکلف شدن به احکام الهی حضور و مشافهه است؟
- ④ امت دارای چند معنا می‌باشد، کدام معنا در مورد آیه مورد نظر، صحیح است؟
- ⑤ ادامه آیه وصف است یا علت؟ توضیح دهید و استدلال اهل سنت را نقد کنید؟
- ⑥ منظور از برترین امت چه کسانی هستند؟
- ⑦ کدام آیه از قرآن بیان می‌کند که عده‌ای از صحابه فاسق بوده‌اند؟
- ⑧ امام صادق علیه السلام اُمّة را چگونه قرائت کرده‌اند؟
- ⑨ نشانه‌های شیعیان چیست؟
- ⑩ امام صادق علیه السلام خود را چگونه معرفی می‌کنند و برای زائران سید الشهداء علیهم السلام از خداوند متعال چه درخواست می‌کنند؟

به سوی معرفت ۴۴

۲۷

سیره و سنت عزاداری شیعیان برگرفته از روایات می باشد. اگر خاک می بوییم و می بوسیم و اگر ضریح می بوسیم نه به خاطر آن است که خاک و آهن احترام و ارزش دارند، بلکه آنها به خاطر مجاورت متبرک شده اند. این عزاداری ها، گریه، شیون و سینه زدن و به طور کلی عزاداری سنتی باید محفوظ بماند و مراقب باشیم که وسوسه خناسان و شبهه افکنان و کسانی که بی واسطه یا با واسطه مزدور اجانب اند و در صدد خاموش کردن نور ابا عبدالله علیه السلام هستند در ما تأثیر نکند. (صفحه ۲۵ از همین جزوه)

www.yasrebi.ir

پست الکترونیک: info@yasrebi.ir

محل برگزاری جلسات:

کاشان: حسینیه مرحوم آیت الله یثربی رحمته الله علیه

تلفن: ۴۴۴۴۳۴۳ - ۴۴۴۵۲۷۷ نمابر: ۴۴۴۹۹۳۳

به سوی معرفت ۴۴

۶